

آقای منصور بیرامی*

راهبردهای علمی و عملی مبارزه با تهاجم فرهنگی

چکیده:

کارکرد تعاملی بین سه جنبه زیستی، روانی و اجتماعی انسان موجب شده است که وجود مشکل در یکی از این ابعاد، او را در دو جنبه دیگر نیز دچار مشکل سازد. اگر تهاجم فرهنگی را در طبقه مشکلات اجتماعی انسان قرار دهیم، باید اطمینان داشته باشیم که به دنبال خود، علاوه بر معضلات اجتماعی، مشکلات زیستی و روانی نیز برای مردم فراهم آورد؛ مثلاً افرادی که به شیوه و سبک غربی آرایش می‌کنند از نظر روانی نیز مشکل دارند و از نظر زیستی به اختلالات روان-تنی (مانند زخم معده، میگرن، آسم، و...) بیشتر گرفتار میشوند. لذا باید تهاجم فرهنگی را مسأله‌ای مهمتر از آنچه تصور می‌شود پنداشت و درصدد مبارزه جدی با آن برآمد. طبیعی است که اگر این مبارزه با راهبردهای

علمی و عملی همراه باشد نتایج سودمندی خواهد داشت؛ و گرنه آب در هاون کوبیدن خواهد بود. در این مقاله تلاش بر این است که راهبردهای علمی و کاربردی مناسبی که در این راستا می‌توانند سودمند باشند مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند.

یکی از مهمترین راههای مبارزه، شناخت دقیق مکانیزم شیوه‌های نفوذی تهاجم فرهنگی است؛ زیرا که بدون شناخت دقیق، خنثی نمودن آنها امکانپذیر نخواهد بود. از راهبردهای دیگر آموزش جرأت و رزی است. بسیاری از مردم در مواجهه با کارگزاران تهاجم فرهنگی، از بیان مناسب احساسات، عقاید و باورهای خود، به گونه مستقیم و دور از ملاحظات ناتوان‌اند؛ لذا موجبات موفقیت تهاجم فرهنگی را فراهم می‌نمایند. جرأت‌آموزی به این دسته از مردم، جهت مقابله با تهاجم فرهنگی راهبردی ضروری است. استفاده از «اثر تلقیحی» راهبرد دیگری است. به این طریق، همیشه می‌توان مردم را در مسیر مبارزه با تهاجم فرهنگی برانگیخته نگه داشت. راهبرد استفاده از «اثر تقدّم و تاخر» موجب می‌شود که پیامهای مسؤلان فرهنگی، مذهبی و سیاسی خودی بر پیامهای کارگزاران تهاجم فرهنگی غلبه کند.

راهبردهای حاکم کردن ارزشهای یکسان بر همه نهادهای اجتماعی، استفاده از یادگیری مشاهده‌ای (سرمشق دهی)، آگاهی دادن به اعضای جامعه، شیوه‌های عملی دیگری جهت مبارزه با تهاجم فرهنگی هستند که ساز و کار هر کدام از آنها به تفصیل در اصل مقاله آمده است. در پایان، پس از نتیجه‌گیری، پیشنهادهایی نیز متناسب با اهداف مقاله جهت مقابله و مبارزه با تهاجم فرهنگی ارائه شده است.

مقدمه:

امروزه، علوم مختلف، بخصوص علوم رفتاری، انسان را موجودی «زیستی-روانی-اجتماعی»^۱ تعریف می‌کنند؛ لذا وجود مشکل در یکی از این جنبه‌ها، او را در دو جنبه دیگر نیز دچار مشکل می‌کند. مثلاً مشکلات زیستی مانند انواع بیماریهای جسمی، مشکلات روانی و اجتماعی را به دنبال می‌آورند. همین طور، مشکلات روانی (انواع اختلالات روانی مثلاً افسردگی) مشکلات زیستی و اجتماعی را موجب می‌شوند. و متقابلاً مشکلات اجتماعی زمینه ابتلای افراد را به معضلات زیستی و روانی فراهم می‌کند. از طرف دیگر، در همه این جنبه‌ها تأکید بر این است که «پیشگیری بهتر از درمان است». حال، اگر تهاجم فرهنگی را به عنوان یک پدیده و معضل اجتماعی در طبقه مشکلات اجتماعی انسان قرار دهیم، باید پذیریم که علاوه بر معضلات اجتماعی، طبعاً مشکلات زیستی و روانی نیز به دنبال خواهد داشت. در یک بررسی مقدماتی بر روی گروهی از دانشجویان یک کلاس، مشخص گردید افرادی که در طول یک شبانه‌روز چندین بار و روی هم رفته حداقل به مدت یک ساعت به موسیقی غربی (در این بررسی منظور، موسیقی از نوع جاز است)^۲ گوش می‌دهند نسبت به افرادی که به همان میزان به موسیقی سنتی و اصیل ایرانی گوش می‌دهند از سلامت فیزیکی و روانی کمتری برخوردارند و معمولاً زندگی خود را یک زندگی دشوار ارزیابی می‌کنند. آنها نسبت به دیگران آرامش کمتری در زندگی روزانه احساس و گزارش می‌کنند و آمار اختلالات سایکوسوماتیک از جمله میگرن و زخم معده در آنها بالاست.

تأملی گذرا در این بحث مختصر، اهمیت و ضرورت پرداختن به بحث تهاجم فرهنگی را گوشزد کرده، نشان می‌دهد که تهاجم فرهنگی پدیده‌ای

مهم و مبارزه با آن ضروری است. در این مقاله تلاش بر این است که پس از تعریف فرهنگ و تهاجم فرهنگی راهبردهای عملی پیشگیری و مبارزه با تهاجم آن معرفی شده، تلویحاً مورد بررسی قرار بگیرند. لازم به ذکر است که پیشگیری در این راستا بخشی از مبارزه است و راهبردهای مطرح شده را به نحو مقتضی و به شیوه‌های اصولی هم در پیشگیری و هم در مراحل بعدی مبارزه (درمان معضل) می‌توان به کار گرفت.

فرهنگ و تهاجم فرهنگی

اگر چه، تحلیل دقیق ماهیت فرهنگ و تهاجم فرهنگی خارج از محدوده این مقاله است و خود یک بحث مستقلی است، ولی جهت تشریح بهتر مطلب و روشن کردن این نکته که، راهبردهای مطرح شده در این مقاله در کدام عرضه باید به کار گرفته شوند، به صورت مختصر به بررسی آن می‌پردازیم.

در مردم شناسی، راه و رسم زندگی یک جامعه را فرهنگ گویند. مفهوم فرهنگ چندان سودمند بوده است که آن را توسعه داده، در سایر علوم اجتماعی، زیستی، رفتاری و در ادبیات نیز به کار می‌برند. از آغاز پیدایش نوع بشر، فرهنگ مایه تمایز انسان از گروههای حیوانی بوده است.

آداب، عادات، اندیشه‌ها، سنتها و آیینهای زندگی جمعی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند و این انتقال، بیش از آن که از راه وراثت باشد، از راه آموختن است. پیروی از این آداب و عادات با نظام پاداش و کیفر مخصوص به هر فرهنگ انتظام پیدا می‌کند. زبان و وسیله‌های نمادین دیگر عوامل اصلی انتقال فرهنگ اند، ولی بسیاری از رفتارها تنها از طریق تجربه حاصل می‌شود. هر جامعه برای خود الگوی خاصی از «کلیات فرهنگی» دارد که سازمانهای

ضروری بشری، مانند سازمان اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، دین و فرهنگ مادی (افزارها، سلاحها و لباسها) را شامل می‌شود.^۳ اساساً هر گروه انسانی فرهنگ مشخص و منحصر به فردی دارد؛ ولی جامعه مفصل و پیچیده ممکن است فرهنگهای فرعی نیز داشته باشد. از طریق تماسهای صلح‌آمیز یا قهرآمیز فرهنگی، ممکن است یک فرهنگ مشترک مورد قبول چند جامعه مختلف قرار گیرد. این عمل متضمن همفرهنگی^۴ است و آن فرایندی است که به وسیله آن اعضای یک گروه، آداب، عادات گروه دیگر را می‌پذیرند. گسترش خصوصیات یک فرهنگ را -از طریق تماس مستقیم یا غیرمستقیم- میان گروههای مختلف، انتشار^۵ آن می‌نامند.^۶ تهاجم فرهنگی ناهنجارترین و در عین حال، آسیب‌زاترین نوع انتشار فرهنگی است.

انتشار فرهنگی، زمانی تهاجم فرهنگی نامیده می‌شود که سیاستمداران یک جامعه با سوءنیت به شیوه‌های مختلف درصدد وارد کردن آسیب به ساختار دینی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی جامعه و یا جوامع دیگر از طریق بی‌ارزش جلوه دادن الگوهای فرهنگی آن باشند، که در بیشتر موارد با جایگزین کردن الگوهای فرهنگی مهاجم و یا فرهنگهای دیگر همراه است. به عنوان مثال. کارگزاران تهاجم فرهنگی، با بی‌ارزش جلوه دادن پایه‌های فرهنگ اسلامی، درصدد جایگزین ساختن الگوهای غربی برمی‌آیند. هدف اصلی این مقاله، ارائه راهبردهای کاربردی، برای مقابله با این نوع انتشار فرهنگی است.

راهبردهای علمی پیشگیری و مبارزه با تهاجم فرهنگی

بدیهی است که، یکی از روشهای کاربردی مقابله با هر پدیده‌ای، شناخت صحیح عوامل زمینه‌ساز، آشکار ساز و تقویتی آن پدیده است. با این

نگرش، در مقابله با تهاجم فرهنگی باید دقیقاً عوامل زمینه‌ساز، آشکارساز و تقویتی موفقیت تهاجم فرهنگی را شناخت و به شکل ممکن همه این عوامل را خنثی کرد. از آنجا که هدف این مقاله، پرداختن به این عوامل نیست، لذا ماهیت راهبردهای مورد نظر به نوعی است که حتی، بدون شناخت شیوه‌های نفوذی تهاجم فرهنگی و عوامل موفقیت آن، می‌توان از آنها برای مبارزه با تهاجم فرهنگی کمک گرفت.

- آموزش جرأت‌ورزی

مطالعات نشان می‌دهد که در فرهنگهای مربوط به اکثر جوامع آسیایی، در شیوه‌های تربیتی به نوعی از تشویق و تنبیه استفاده می‌کنند که به صورت سنتی به شیوه ارتباطی غیر جسورانه^۷ می‌انجامد. قریب به اتفاق این افراد، سازگار، غیرجسور، خجالتی و وابسته به دیگران پرورش یافته‌اند. آنان چنین آموخته‌اند که رفتار جسارت‌آمیز غیر انسانی است و نباید آن را نشان داد. این که رفتار جسورانه همیشه و در همه جا درست نیست امری بدیهی است، لکن این نکته نیز درست است که به موقع باید جرأت اعتراض داشت. چکوبسکی - اسپکتور^۸ جسارت یا رفتار جرأت‌آمیز را اینگونه تعریف می‌کند: «بیان مناسب احساسات، عقاید و باورهای یک شخص به گونه مستقیم، صمیمی و دور از ملاحظات است».

در حال حاضر، یکی از علت‌های عمده موفقیت تهاجم فرهنگی، جرأت نداشتن مردم کشورهای جهان سوم برای ابراز مناسب، مستقیم و صمیمی و دور از ملاحظات عقیده خود به دیگران است؛ لذا برای پیشگیری از توفیق تهاجم فرهنگی، همه سازمانهای دولتی و مردمی خصوصاً نهادهایی مانند

مدارس، کانونها، مراکز مربوط به وزارت ارشاد اسلامی، صدا و سیما و مهمتر از همه دانشگاهها باید دست به دست هم دهند و کلاسها و دوره‌های کوتاه مدت و بلند مدت آموزش جرأت و شهامت برای نوجوانان، جوانان و به طور کلی همه مردم برگزار کنند.

روشهای جرأت‌آموزی. این روشها بیشتر به آموزش روشهای جدید مهارتهای ارتباطی می‌پردازند که در برگیرندهٔ اقتناع و ترغیب^۹ و رویارویی^{۱۰} می‌باشند. جرأت‌آموزی به رفتارهای غیر کلامی و اصلاح آنها نیز توجه دارد. در یک فراگرد ارتباطی، آنچه به صورت غیر کلامی به جرأت فرد آسیب می‌رساند حذف می‌شود. مثلاً^{۱۱} اگر در یک جمعی ارزشهای ملی و مذهبی مورد اهانت واقع می‌شود و نوجوانی مجبور به مداخله در آن است، اگر طرف بحث او، افراد بزرگسال مخصوصاً پدر و مادر یا معلمان و مربیان او باشند، حتماً نوجوان در جواب دادن مناسب و صحیح مشکل خواهد داشت،^{۱۲} اگر چه مناسبترین جوابها را بداند. می‌توان به نوجوان و جوان یاد داد که در چنین مواقعی از برقراری تماس چشمی خودداری کند، زیرا به این ترتیب به جرأت او اضافه خواهد شد.

می‌توان به افراد کمک کرد که یک مکالمه ضبط شده را مجدداً تجزیه و تحلیل کنند. در کارگاههای آموزشی^{۱۱}، در منزل و در بیرون می‌توان برای افراد جامعه بخصوص نوجوانان و جوانان تمرینهای رویارویی در نظر گرفت.

از شناخته شده‌ترین روشهای جرأت‌آموزی نمایش رفتاری^{۱۲} است، که در واقع نوعی تمرین نقش‌بازی کردن^{۱۳} است، که از این طریق فرد مورد نظر به نمایش و یا تمرین آن دسته از پاسخهای ویژه‌ای می‌پردازد که باید به گونه‌ای

توأم با جرأت و جسارت باشد. مریبان همزمان حالات خاصی را انتخاب می‌کنند که در آن مراجع دارای مشکل است.^{۱۴}

در مرحله بعدی، مراجع سعی می‌کند که با توجه به دستورالعمل آموزش‌دهنده با مسأله روبرو شود و عکس‌العمل خود را با جرأت تنظیم کند. در مراحل بعدی پاسخهای مطلوب مورد ستایش و تشویق واقع می‌شوند. به تدریج الگوی رفتاری با جرأت بیشتری شکل می‌گیرد و کامل می‌شود.

از این روش برای آموزش افراد جهت مقابله با تهاجم فرهنگی به راحتی می‌توان کمک گرفت. به عنوان مثال، می‌توان یک نمایش رفتاری از کارهای تهاجم فرهنگی را در حضور عده‌ای اجرا نمود و سپس آنان را مکلف به دادن پاسخ خاصی به کارگزار تهاجم فرهنگی کرد و در نهایت پاسخهای مطلوب او را تقویت کرد. در بسیاری از مواقع، قریب به اتفاق ما، در مقابل کارگزاران تهاجم فرهنگی پاسخ نامناسب می‌دهیم و مدتها بعد از آن متوجه می‌شویم که پاسخ مناسب چیز دیگری است.

- استفاده از روش «اثر تلقیحی»^{۱۵}

در فرایندهای ارتباطی، یک پدیده ماهرانه‌تر در زمینه آماده کردن و مقاوم‌سازی مخاطبان، توسط ویلیام مک‌گواریر^{۱۶} و همکارانش کشف و به اسم اثر تلقیحی نامگذاری شده است. مطالعات گوناگون نشان داده‌اند که یک پیام دو جانبه برای متقاعد ساختن مخاطبان موثرتر از یک پیام یک جانبه است.^{۱۷} مک‌گواریر این پدیده را بسط داده و پیشنهاد کرده است که اگر شخصی قبلاً در معرض پیامی مختصر قرار بگیرد که بعد بتواند آن را رد کند، در قبال یک پیام بعدی کامل و مشابه مصنوعیت پیدا می‌کند، درست همان طور که مقدار کمی

ویروس تضعیف شده شخص را در مقابل حمله کامل بعدی ویروس مصونیت می‌بخشد.^{۱۸}

مک‌گوایر و همکارانش در یک آزمایش دو گروه از مردم را انتخاب کردند؛ و افراد گروه آزمایش را مجبور به اظهار عقاید خود کردند، سپس عقاید آنها را در معرض انتقادی خفیف قرار دادند به نحوی که افراد مورد آزمایش این انتقاد را رد کردند. آن گاه این مردم در معرض انتقادی قویتر علیه عقاید اولیه خود قرار گرفتند (هر دو گروه). مقایسه عملکرد گروه آزمایش با گروه شاهد نشان داد که اعضای گروه آزمایش تمایل خیلی کمتری برای تغییر عقاید خود نشان دادند تا اعضای گروه شاهد، که عقایدشان قبلاً در معرض حمله‌ای خفیف قرار نگرفته بود. در واقع اعضای گروه آزمایش علیه تغییر عقیده تلقیح شده نسبتاً مصونیت پیدا کرده بودند.

در فرایند مقابله با تهاجم فرهنگی، روش اثر تلقیحی چگونه عمل می‌کند؟ شرط اول، این است که رهبران مذهبی، مسؤولان اجرایی، سردمداران تعلیم و تربیت، اساتید دانشگاه، معلمها و بطور کلی همه و همه این ظرفیت را در خود ایجاد کنند که دیگران بتوانند از آنها انتقاد کنند. شرط دوم انتقاد کردن است. وقتی افراد مورد انتقاد واقع شدند برای دفاع از معتقدات خود برانگیخته می‌شوند و به این ترتیب تا اندازه‌ای مجرب و کارآزموده می‌شوند. حال اگر تهاجم بر عقاید صورت پذیرد قدرت دفاع از عقاید در افراد ایجاد شده است. ولی، اگر در درازمدت حمله‌ای بر معتقدات ما صورت نگیرد، علت اعتقاد به آنها را فراموش می‌کنیم و وقتی یک مرتبه در معرض حمله شدید قرار بگیریم این اعتقادات به راحتی فرو می‌ریزند. آسیب پذیرترین شخص در مقابل تهاجم فرهنگی کسی است که معتقدات او درباره راه و رسم اسلامی و ایرانی مبتنی بر شعار بوده و حتی

یک بار هم مورد اعتراض قرار نگرفته است.

- استفاده از «اثر تقدم و تأخر»^{۱۹}

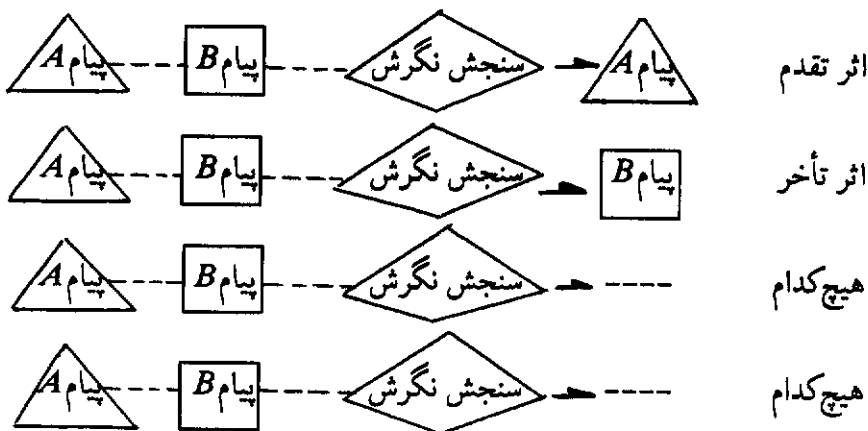
زمانی از این روش می‌توان برای مبارزه با تهاجم فرهنگی استفاده کرد که بحث عرضه پیام توسط کارگزاران تهاجم فرهنگی بر مردم در میان باشد. زمانی که دو پیام رقیب به مخاطبان عرضه می‌شود، اگر تاثیر پیامی که اول ارائه شده است بیشتر باشد می‌گویند اثر تقدم ایجاد شده است، و اگر پیامی که بعداً ارائه شده موثرتر باشد گفته می‌شود اثر تأخر ظاهر شده است. به طور کلی نقش این امر به فاصله زمانی بین دو پیام و فاصله زمانی بین پیام و اندازه گیری نگرشها مربوط می‌شود. چنانکه می‌توان در شکل (۱) مشاهده نمود بعضی مواقع اثر تقدم و گاهی اثر تأخر پیدا می‌شود. گاهی نیز اثر قابل توجهی مشاهده نمی‌شود. همچنین در شکل می‌توان دید که اثر تقدم وقتی پیش می‌آید که دو پیام یکی بعد از دیگری ارائه شود و بعد از ارائه مدتی تا زمان اندازه گیری نگرش فاصله وجود داشته باشد. اثر تأخر نیز هنگامی پیدا می‌شود که بین ارائه دو پیام فاصله قابل توجهی وجود داشته باشد اما پس از پیام دوم بلافاصله نگرش مخاطبان سنجیده شود. در مواردی که هر دو پیام پشت سر هم ارائه شده باشد و بلافاصله هم سنجش نگرش به عمل آید یا فاصله زمانی بین دو پیام و فاصله بین ارائه پیام و سنجش نگرش مساوی باشد اثر تقدم یا تأخر مشخصی به وجود نمی‌آید.^{۲۰}

حال، پس از آشنایی به مکانیزم اثر تقدم و تأخر، این سوال مطرح است که چگونه از آن برای مقابله با پیام تهاجم فرهنگی می‌توان کمک گرفت. اگر یکباره متوجه شویم که کارگزاران تهاجم فرهنگی پیام خود را عرضه کردند، اگر بلافاصله ما نیز پیام خود را برای مقابله با آنها ارائه دهیم، در چنین زمانی اثر تقدم روی می‌دهد و اگر مدتها بعد، اثر هر دو پیام ارزیابی شود، پیام تهاجم

فرهنگی در حافظه‌ها بیشتر حفظ شده و پررنگ‌تر خواهد بود. در چنین مواقعی، برای این که پیام رقیب پیام مهاجم فرهنگی موثرتر باشد، باید مدت زمانی صبر کرد و پس از فراموشی پیام مهاجم فرهنگی، پیام رقیب را مطرح ساخت تا اثر تأخر روی دهد و پیام رقیب غالب گردد. به عنوان مثال، اگر مسؤلی مشکل و یا خطایی مرتکب شود، ولی مردم در جریان نباشند و یک مرتبه رادیوهای بیگانه آن را اعلام کنند، واکنش سریع به آن، موجب موفقیت پیام آنها خواهد شد، لذا برای کم‌رنگ کردن پیام رادیوهای بیگانه باید مدتی صبر کرد.

متقابلاً، اگر قبل از این که کارگزاران مهاجم فرهنگی پیام خود را ارائه کنند متوجه شویم که نقشه‌ای در کار است نباید منتظر اقدام آنان باشیم، بلکه باید بلافاصله پیام خود را بفرستیم تا اثر تقدم به نفع پیام ما اتفاق افتد، در غیر این صورت پیام مهاجم فرهنگی مؤثرتر خواهد بود. در همان مثال قبلی، اگر قبل از ارائه پیام کارگزاران مهاجم فرهنگی متوجه شویم که آنها به وجود خطایی پی برده‌اند برای کم‌رنگ کردن آن و پررنگ کردن پیام خود، بلافاصله باید مشکل را با مردم در میان گذاشت.

متغیر موثر



شکل ۱: اثرهای ترتیب ارائه پیام (تقدم و تأخر) - به نقل از کریمی، ۱۳۷۵

- حاکم کردن ارزشهای یکسان بر همه نهادهای اجتماعی

روشن است که حاکم شدن ارزشهای متفاوت، بخصوص متضاد بر نهادهای اجتماعی، از جمله: خانه، مدرسه، اداره، مسجد، کوچه، دانشگاه و نهادهای دیگر، موجب ایجاد تعارض در اعضای جامعه، بخصوص نوجوانان و جوانان می‌شود و به پیامد آن زمینه برای پذیرش ارزش سوم فراهم می‌شود که در غالب موارد این ارزش سوم سریعاً از طریق تهاجم فرهنگی تزیق می‌شود. به عنوان مثال، اگر مدرسه به حرام بودن موسیقی مبتذل اصرار کند و متقابلاً در خانواده از آن استفاده کنند و یا نسبت بدان بی‌اعتنا باشند، بدیهی است که نوجوان این خانواده که دانش‌آموز آن مدرسه است دچار تعارض و دوگانگی می‌شود و با توجه به این که دل بستگی‌هایی نسبت به هر دو دارد برای نجات از این تعارض، به راحتی از گروههای بزهکار هم سن و سال خود عکسهای سکسی را خواهد گرفت و این پیشامد، مطلوب تهاجم فرهنگی است. بنابراین، در جهت پیشگیری به هر شکل و قیمتی که شده، دست‌اندرکاران و متخصصان مربوط باید ارزشهای صحیح را تشخیص داده، به هر نحو ممکن بر همه نهادهای اجتماع مخصوصاً خانواده، مدرسه و مسجد حاکم نمایند.

- استفاده از یادگیری مشاهده‌ای (سرمشق‌دهی)

اگر چه پرداختن دقیق به مکانیزم یادگیری مشاهده‌ای خارج از حوصله این مقوله است به اصول بنیادی آن اشاره می‌شود. بحث در مورد یادگیری انسانها از انسانهای دیگر به یونانیان می‌رسد. در طی قرون متوالی تمایل طبیعی برای تقلید در انسانها بدیهی انگاشته می‌شد ولی با تسلط رفتارگرایی بر حوزه علوم رفتاری نظریه پردازان مختلفی مانند «ثورندایک»^{۲۱} و

«واتسون»^{۲۲} با آزمایشهای مختلف به این نتیجه رسیدند که یادگیری از راه مشاهده امکان‌ناپذیر است. میلر^{۲۳} و دلارد^{۲۴} مجدداً به این نتیجه رسیدند که این یک واقعیت است که یک ارگانیسم می‌تواند با مشاهده فعالیت ارگانیسمی دیگر یاد بگیرد. به نظر آنها یادگیری حاصل مشاهده، تقلید و تقویت است. سپس «بندورا»^{۲۵} بیان کرد که «یادگیری و عملکرد متفاوت‌اند و چون یادگیری یک فرایند دائمی است به تقویت نیازی ندارد». به نظر او فرایندهای توجه، به یاد سپاری، تولید رفتاری و انگیزشی بر یادگیری موثرند^{۲۶}. به این ترتیب، مکانیزم تقویت و تنبیه جانشینی در این رویکرد قابل توجه است.

استدلالات «بندورا» در تئوری یادگیری اجتماعی معقول‌تر از استدلالهای دیگر به نظر می‌رسد. اگر بر مبنای تئوری او این نکته را بپذیریم که انسان از هر چیزی که مشاهده می‌کند حتی اگر تقویت هم نشود یاد می‌گیرد و همچنین می‌تواند اندوخته خود را به عملکرد تبدیل بکند و یا نکند؛ لذا باید این نکته را نیز بپذیریم که اگر می‌خواهیم نوجوانان و جوانانی داشته باشیم که به راحتی در مقابل تهاجم فرهنگی و شگردهای آن تسلیم نشوند، بزرگسالان از جمله والدین و معلمان او حتی الامکان باید صحیح عمل کنند تا نوجوان و جوان یاد بگیرد که در چنین مواردی پاسخ مناسب کدام است. به عنوان مثال، اگر بخواهیم نوجوان ما به انواع مدل‌های لباس رواج یافته از طریق تهاجم فرهنگی روی نیارد، باید مناسبترین الگوی حجاب را مادر در خانه و بیرون از خانه و خانم معلم در مدرسه در حوزه مشاهده نوجوان دختر قرار دهد؛ و همین‌طور باید سالمترین الگوی پوشش نوجوان را پدر در خانه و آقا معلم در مدرسه در اختیار نوجوان پسر قرار دهد.

به طور کلی، باید از میان ارزشهای گوناگون، مناسبترین آنها را بر اعضای جامعه مهم جلوه داد تا مورد توجه آنها واقع شود، سپس زمینه به یاد سپاری آن را فراهم کرد و بعد زمینه لازم را برای ظهور آن فراهم ساخت و در نهایت آنها را همیشه در جهت این ارزشها برانگیخته نگه داشت.

- آگاهی دادن به اعضای جامعه

این آگاهی شامل فاکتورهای زیادی است، از جمله همه شگردها و تکنیکهای نفوذی تهاجم فرهنگی، ویژگیهای کارگزاران تهاجم فرهنگی و اهداف مورد نظر آنها را باید به مردم توضیح داد. به علت گستردگی این قسمت از بحث، جهت روشن کردن هدف مورد نظر فقط به یکی از تکنیکهای نفوذی تهاجم فرهنگی پرداخته می شود.

تهاجم فرهنگی از روشهای مختلفی مانند شرطی کلاسیک، کنشگر و اجتنابی و به طور کلی از تکنیک تداعی برای نفوذ کمک می گیرد. در کل، در این تکنیک پیام تهاجم فرهنگی به یک عامل نامربوط مشروط می شود و آن عامل نامربوط تداعی کننده پیام و یا موضوع تهاجم فرهنگی می شود، به عنوان مثال، مربوط کردن نوع پوشش خانمها به سطح دانش و معلومات آنها امروزه در سطح وسیعی توسط تهاجم فرهنگی در جوامع اسلامی و غیر اسلامی رواج داده می شود. کسانی که پوشش ضعیف تری دارند آگاهتر قلمداد می شوند. در اثر همین ترفند جاافتاده است که امروزه به نظر می رسد که هر خانم مانتوپوشی حتماً باسواد است و فقط خانمهای بی سواد چادر می پوشند. در آقایان نیز بستن کراوات به عنوان همسویی با تمدن و کوشش در جهت رسیدن به کاروان علم و ترقی شناخته شده است، در حالی که هیچ ارتباط معقولی بین بستن کراوات و

تحصیل علم و توفیق در دانش و تکنیک وجود ندارد و چنین پندارهایی خود از خرافات ترویج شده از طریق تهاجم فرهنگی است. همچنین یکی از رایجترین آنها در میان نوجوانان و جوانان تداعی شدن نیرومندی و ورزشکار بودن با پوشش خاصی است و به همین سبب است که سعی می‌کنند لباسهای خاصی بپوشند بدون اینکه تناسب آن را در نظر بگیرند.

تهاجم فرهنگی به روش شرطی کردن کنشگر، عامل اساسی پیدایش پدیده‌ای است که امروز تحت عنوان از خودبیگانگی و یا الیناسیون فرهنگی شناخته می‌شود. در این روش کار به جایی می‌رسد که ملت مغلوب به اختیار خود آداب و رسوم و فرهنگ و زبان ملت غالب را برمی‌گزیند و تقویت دریافت می‌کند و هر وقت هویت تاریخی و فرهنگی خویش را به نمایش می‌گذارد مورد تمسخر واقع می‌شود (در واقع تنبیه دریافت می‌کند) و به این ترتیب تبدیل به یک ماده خام برای کارخانه‌های فرهنگ‌سازی مخرب تهاجم فرهنگی می‌شود. تهاجم فرهنگی حتی برای رسیدن به اهداف اقتصادی و مذهبی نیز از این شیوه کمک می‌گیرد. به عنوان مثال فروختن یک جنس به همراه عکس یک خانم زیبا و یا یک هنرپیشه و یا ورزشکار به این شیوه صورت می‌گیرد. مثلاً در درازمدت آدامس خاص با هنرپیشه خاص تداعی می‌شود.

تکنیک تداعی یک نمونه از تکنیک‌های نفوذی تهاجم فرهنگی است. نه تنها این تکنیک، بلکه باید همه تکنیک‌های نفوذی تهاجم فرهنگی و سایر مسایل مربوط به آن دقیقاً به همه اعضای جامعه، بخصوص نوجوانان و جوانان تشریح گردد تا در مبارزه با تهاجم فرهنگی آنها نیز به راهبردهای علمی مجهز گردند.

نتیجه‌گیری

اگر چه، تهاجم فرهنگی پیچیده‌ترین پدیده اجتماعی عصر ماست و کارگزاران آن با ترندهای حساب‌شده به از خود بیگانه کردن ملل مظلوم، به ویژه کشورهای اسلامی و بالاتر از همه ملت ایران اسلامی کمر همت بسته‌اند، ولی راهبردهایی وجود دارد که امکان مقابله و مبارزه با تهاجم فرهنگی را امکانپذیر می‌سازد. سازمانها و ارگانهای درگیر با امور فرهنگی، این رسالت را بر عهده دارند که همه اعضای جامعه را با این راهبردها دقیقاً آشنا ساخته، آنها را برای مبارزه با تهاجم فرهنگی برانگیخته نگه دارند. ساز و کار هر کدام از این راهبردها را در متن مقاله می‌توان مطالعه کرد.

پیشنهادها

- ۱- بهتر است به آن دسته از اعضای جامعه که کمرو هستند و تعدادشان نیز کم نیست، آموزشهایی داده شود تا جرأت و شهامت دفاع از معتقدات و باور داشتهای خود را به دست آورند.
- ۲- پیشنهاد می‌شود که دست‌اندرکاران مربوط در مقابله با پیامهای تهاجم فرهنگی اثر تقدم و تأخر را از نظر زمانی دقیقاً محاسبه کنند تا همیشه پیام موثر، پیام آنها باشد.
- ۳- پیشنهاد می‌شود که همه اعضای جامعه جهت برانگیخته شدن برای دفاع از عقاید خود، به جامعه اجازه دهند از عقاید آنان انتقاد کند. به این ترتیب علت عقاید و باورهای خود را به طور دقیق یاد خواهیم گرفت.

- ۴- بهتر است همه نهادهای اجتماعی بخصوص خانه، مدرسه و مسجد در این زمینه یکنواخت عمل کنند.
- ۵- والدین و مربیان (معلمان و استادان دانشگاه) باید بهترین الگوها برای سرمشق‌گیری در جامعه باشند.
- ۶- به طور کلی پیشنهاد می‌شود که همه نهادهای اجتماعی مخصوصاً رادیو و تلویزیون تهاجم فرهنگی و نحوه عملکرد کارگزاران آن را به مردم بشناسانند تا ضمن روشن شدن واقعیات، مردم نسبت به عقاید خود متعصب باشند.

پی‌نوشت‌ها:

1. *bio-psycho-social*

۲- البته با این توجیه نمی‌توان به ارزیابی ماهیت موسیقی غربی پرداخت و درباره آن قضاوت نمود، بلکه باید علت اصلی را در عدم تطابق و سازگاری سیستم عصبی فرد ایرانی با این نوع موسیقی دانست.

۳- مصاحب، ۱۳۵۶

4- *acculturation*5- *diffusion*

۶- مصاحب، ۱۳۵۶

7- *unassertive*8- *Jakubowski-Spector*9- *Persuasion*10. *Conformation*11- *Workshop*12- *behavioral rehearsal*13. *role playing*

۱۴- فرهنگی، ۱۳۷۴

15- *inoculation effect*16- *William McGuire*

۱۷- بیرامی، ۱۳۷۵

۱۸- ارنسون، ۱۳۶۴

19- *effect of primacy and recency*

۲۰- کریمی، ۱۳۷۵

21- *Thorndike*

22- *Watson*

23- *Miller*

24- *Dollard*

25- *Bandura*

۲۶- اولسون و هرگنهان، ۱۳۷۴

منابع:

- ۱- اُسون و هرگنهان. مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. ترجمه علی اکبر سیف. (۱۳۷۴). انتشارات دانا: تهران
- ۲- ارنسون، الیوت. روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه حسین شکرکن. (۱۳۶۴). انتشارات دانشگاه شهید چمران: اهواز.
- ۳- بیرامی، منصور. (۱۳۷۵). روان‌شناسی عوامل ارتباطی مداخله‌گر در موفقیت تهاجم فرهنگی. ارائه شده در همایش تهاجم فرهنگی و رسالت دانشگاه. دانشگاه اصفهان.
- ۴- فرهنگی، علی اکبر. (۱۳۷۴). ارتباطات انسانی. موسسه خدمات فرهنگی رسا: تهران.
- ۵- کریمی، یوسف. (۱۳۷۵). روان‌شناسی اجتماعی. انتشارات دانشگاه پیام‌نور: تهران.
- ۶- مصاحب، غلامحسین. (۱۳۵۶). دایره‌المعارف فارسی. شرکت سهامی کتابهای جیبی: تهران.
- 7- *Jakubowski- Spector, Patricia. (1973). An Introduction to Assertive Training Procedures for Women. Washington, D. C: American Personal and Guidance Association, p.2.*
- 8- *McGuire, William, and Papageroyis, Bimtri. (1961). The Relative Efficacy of Various Types of Prior Belief- Defense in Produing Immunity Against Persuasion. Journal of Abnormal and Social Psychology. 62: 327-337.*